

کیهان

در مطلب حاضر نویسنده موضوع اسراف و تبذیر را از منظر آیات قرآن بررسی کرده و رابطه آن را با تحریم اقتصادی دشمنان روشن ساخته است.

اسراف و تبذیر در خدمت تحریم

هر اجتماعی با دو ستون اصلی، فرهنگ و اقتصاد سرپا می‌شود؛ زیرا از یک سو، فرهنگ، تأمین کننده آرامش روانی، اصول معنوی، مبانی فکری و فلسفی زندگی و از سوی دیگر، اقتصاد تأمین‌کننده آسایش بدنی و نیازهای زندگی مادی و دنیوی بشر است.

از نظر قرآن، هر اجتماعی از امت‌های انسانی، زمانی شکل می‌گیرد که تأمین‌کننده سعادت با دو عنصر آرامش و آسایش باشد. بنابراین فلسفه زندگی چیزی جز سعادت نیست. از همین رو، هر اجتماعی سبک‌هایی از زندگی را انتخاب می‌کند که بتواند با بهره‌گیری از آنها، سعادت را تأمین کند. بی‌گمان مال و اقتصاد، همچون ستون اصلی خیمه اجتماع عمل می‌کند. از این رو مدیریت اقتصادی و حفظ و صیانت از اموال یک واجب شرعی است که کشف این وجوب شرعی از طریق عقل سلیم و نقل ویحانی امکان‌پذیر است. از نظر آموزه‌های وحیانی، به سبب «قوم» بودن اقتصاد که اجتماع انسانی بر آن استوار است، هر گونه رفتار و کاری که «تقصاد» و «هال» را نابود می‌کند و به نوعی موجب کفران نعمت می‌شود، به عنوان حرام ممنوع شده است. هر کسی در مال خویش مجاز است تا به گونه‌ای تصرف کند که در راستای بهره‌گیری درست و مفید از اقتصاد و مال و نیز حفظ و صیانت از آن باشد؛ زیرا شکر هر نعمتی، استفاده درست و مناسب از آن نعمت در راستای تأمین اهداف و حکمت آفرینش است. بنابراین، حتی اگر عامل و بالسی از روی علم و عمد بخواهد در مال به گونه‌ای تصرف کند که از مصادیق کفران نعمت باشد، از آن منع می‌شود و به عنوان حرام و گناه از آن بازداشته می‌شود.

به عنوان نمونه، هر گونه اسراف و زیاده‌روی در مال از سوی عاقل عالم عابد حرام و گناه دانسته شده است؛ زیرا نوعی کفران نعمت، بلکه نابود کردن ستون اصلی اجتماع است که اجتماع بدان استوار است. خدا در قرآن بصراحت می‌فرماید: **لَا تَجِبْ الْمُسْرِفِينَ**؛ و اسراف مکیده؛ زیرا خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد(انعام، آیه ۱۴۱)

همچنین در جایی دیگر می‌فرماید: ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، یا خود بردارید و

در هر جامعه‌ای افرادی در خدمت اهداف دشمن آن اجتماع هستند که می‌بایست آنان را شناخت و با آنان و روش‌هایشان مبارزه کرد. بی‌گمان تجمل‌گرایان، مسرفان، مبذران، تفاخرگرایان و مانند آنان که اقتصاد امت را نابود یا بد مدیریت می‌کنند، از جمله همین ایادی و برادران و اولیا و احزاب شیطان هستند. اینان به ظاهر جزو امت و در باطن جزو حزب شیطان و ایادی او هستند و باید با آنان مبارزه کرد.

(از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد (اعراف، آیه ۳۱)
پس اگر خوردن و آشامیدن به معنای تصرف مباح در اموال خویش، مجاز دانسته شده است، این نباید همراه با اسراف و زیاده‌روی در خوردن و نوشیدن باشد. از آنجا که دشمنان امت اسلام، تلاش می‌کنند تا به بنیادهای امت یعنی «فرهنگ» و «اقتصاد» ضربه بزنند، تهاجم همه جانبه‌ای را علیه این و ستون‌های اصلی آغاز کرده‌اند. این گونه است که «تهاجم فرهنگی» و «تحریم اقتصادی» در دستور کار دشمنان اسلام که از ظالمان و مستکبران جهانی هستند، قرار گرفته است.

براساس تعالیم قرآن، گروه‌های از افشار امت از جمله «منافقان» و «عساکر ایمان» که در راستای خدمت‌رسانی به شیاطین استکباری قرار می‌گیرند و با اعمال و رفتارهای مخرب گوناگون به قوابعض‌های اجتماع و امت اسلام از فرهنگ و اقتصاد ضربه می‌زنند. از جمله فعالیت‌های مخرب می‌توان به شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی برای تضعیف

احزاب و اولیای شیطان در خدمت تحریم اقتصاد

خدا در قرآن به دستت ایمان‌ها هشدار می‌دهد که نمی‌توانند خود را جزو «حزب‌الله» بدانند، در حالی که به دشمنی با دشمنان خدا و رسول و امت، با مودت و دوستی، دسته آنان هستند؛ زیرا کسی که از امت حزب‌الله است، به جای مودت نسبت با دشمنان امت، آنان را دشمن می‌دارند. بنابراین، هر گونه رابطه مودت میان امت اسلام با دشمنان اسلام و نظام اسلامی، به معنای خروج از امت حزب‌الله و دخول به حزب‌الشیطان است.(مجادله، آیه ۲۲)

«حزب‌الله» کسی است که در همه امور از جمله مسائل

برادران شیطان و تحریم اقتصادی

علی پوریا

نصیب خود نخواهد ساخت(انعام، آیه ۱۴۱؛ اعراف، آیه ۳۱)
از نظر قرآن، بدتر از مسرفان کسانی هستند که تبذیر می‌کنند؛ تبذیر به معنای ریخت و پاش است؛ پس کسی که تبذیر می‌کند، در خوردن و آشامیدن زیاده‌روی و اسراف نمی‌کند، بلکه خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها را دور می‌ریزد، بی‌آنکه خود یا دیگران بتوانند از آن استفاده کنند. به اصطلاح مردمی: نه خود خوری، نه کس دهی / گنده کنی، به سگ دهی.
خدا در قرآن، با تهدید نسبت به مبذران، آنان را «خوان الشیاطین» معرفی می‌کند و می‌فرماید: به راستی که مبذران، برادران شیطان‌ها هستند؛ و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناپسای بوده است.(اسراء، آیه ۲۷)

بر اساس آموزه‌های قرآن، مسلمانان نسبت به هم برادر دینی هستند؛ انما المؤمنون اخوة(حجرات، آیه ۱۰) از آثار این برادری این است که نسبت به هم «پیار»(حشر، آیات ۸ و ۹) دارند و با احسان و اکرام با هم رفتار می‌کنند و

خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد همانا مسرفین برادران شیطان‌اند

هکمازی دارند(مائده، آیه ۲)
همین حالت در میان «خوان الشیاطین» است؛ یعنی آنان برای تحقق اهداف شیطان تلاش می‌کنند و در خدمت آن هستند. از همین رو «تعاون بر اثم و عدوان»(مائده، آیه ۲) دارند و هر آن چه که رهبری و نظام اسلامی دستور می‌دهد، برخلاف آن عمل می‌کنند و

خدا در قرآن، همین رو تبذیرکنندگان را به عنوان «خوان الشیاطین» معرفی می‌کند تا از مهم‌ترین آنها می‌توان به مسرفان و مبذران اشاره کرد که قوام اجتماع و مردم را با رفتارهای نادرست اقتصادی به خطر می‌اندازد و در حقیقت در خدمت

اهداف دشمنان از جمله تأثیر گذاری برحی‌های اقتصادی هستند. از همین رو تبذیرکنندگان را به عنوان «خوان الشیاطین» معرفی می‌کنند تا مردم با شناخت این دسته از دوست‌نمایان همراه و هکماز و همگام با دشمن، نسبت به آنان واکنش طردی و منفی داشته باشند و به مبارزه با عوامل و ایادی دشمن در داخل امت بپردازند.

خدا در قرآن، تبذیرکنندگان را به عنوان «خوان الشیاطین» معرفی می‌کند تا مردم با شناخت این دسته از دوست‌نمایان همراه و هکماز و همگام با دشمن، نسبت به آنان واکنش طردی و منفی داشته باشند و به مبارزه با عوامل و ایادی دشمن در داخل امت بپردازند.

خدا در قرآن، تبذیرکنندگان را به عنوان «خوان الشیاطین» معرفی می‌کند تا مردم با شناخت این دسته از دوست‌نمایان همراه و هکماز و همگام با دشمن، نسبت به آنان واکنش طردی و منفی داشته باشند و به مبارزه با عوامل و ایادی دشمن در داخل امت بپردازند.

خدا در قرآن، تبذیرکنندگان را به عنوان «خوان الشیاطین» معرفی می‌کند تا مردم با شناخت این دسته از دوست‌نمایان همراه و هکماز و همگام با دشمن، نسبت به آنان واکنش طردی و منفی داشته باشند و به مبارزه با عوامل و ایادی دشمن در داخل امت بپردازند.

خدا در قرآن، تبذیرکنندگان را به عنوان «خوان الشیاطین» معرفی می‌کند تا مردم با شناخت این دسته از دوست‌نمایان همراه و هکماز و همگام با دشمن، نسبت به آنان واکنش طردی و منفی داشته باشند و به مبارزه با عوامل و ایادی دشمن در داخل امت بپردازند.

نביدهای روابط همسران خانواده خود را با دیگران مقایسه نکنیم

محمدمهدی رشادتی

هفتاد متر و بسا حداقل درآمد بخور و نمیر، زندگی می‌کند، صحت نیست که با خانواده‌ای که دو فرزند دارد و در یک منزل پانصد متری و با درآمد بالا و قرآن، زندگی می‌کند، مقایسه کنیم.

همسرم بهترین دوران جوانی خود را با من سپری کرده است و حالا که از طراوت جوانی او کاسته شده است، درست نمی‌باشد که وی را با زن جوان حامل بگیری بسنجم.

آسیب‌شناسی مقایسه اشخاص با همدیگر
نماییم که با وجود این تفاوت‌های بی‌شمار چه تبتعاً و ناهنجاری‌هایی در بی مقایسه کردن حاصل خواهد شد؟ از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود که به این قسمت از بحث بیشتر عنایت کنند.

۱- مطابق مثال‌های فوق، اگر برتری و مزایای دیگران به رخ فرزند یا همسرم کشیده شود، قطعاً حاصلش برای آن دو «بیاد» غرور کاذب، روحیه تکبر، خودپسندی، احساس بی‌نیازی از تلاش» خواهد بود.

۲- در حالت نسوم، با بارگو کردن عیوب دیگران، هم

۳- اگر ضعف‌ها و عیب‌های دیگران به رخ فرزند یا همسرم کشیده شود، قطعاً حاصلش برای آن دو «بیاد» غرور کاذب، روحیه تکبر، خودپسندی، احساس بی‌نیازی از تلاش» خواهد بود.

۴- در حالت نسوم، با بارگو کردن عیوب دیگران، هم

۵- به جای این‌گونه مقایسه‌های تخریبی می‌توان با درک صحیحی از شرایط و اوضاع و احوال، برای هر فرد تبیین واقعیت‌هایی از محیط تربیتی به عمل آورد و با ایجاد ملا صد و پنجاه است، ارزیابی واحدی داشته باشم و او را به خاطر این که از دوستش ضعف‌تر و پایین‌تر می‌باشد، سرزنش و توبیخ کنم.

همچنین مردی که پنج فرزند دارد و در یک خانه

گوینده و هم شنونده رفتار گناه غیبت می‌شوند که خود از گناهان کبیره و از صفات بسیار نکوهیده محسوب می‌شود.
۵- به جای این‌گونه مقایسه‌های تخریبی می‌توان با درک صحیحی از شرایط و اوضاع و احوال، برای هر فرد تبیین واقعیت‌هایی از محیط تربیتی به عمل آورد و با ایجاد ملا صد و پنجاه است، افراد مورد نظر را به خودباوری و تلاش مضاعف برای شکوفایی استعدادهای ذاتی خود رساند.

سابقه خطاطی

پیامبر(ص) در مسابقه خطاطی به حسن و حسین(ع)

معارف

Maarefkayhan@Kayhan.ir

Maarefkayhan@Kayhan.ir

Maarefkayhan@Kayhan.ir

ممکن است برخی از مسلمانان خواسته و ناخواسته در خدمت اهداف دشمن قرار گیرند و بسا «مصرف‌گرایی»، «تجمل‌گرایی»، «اسراف و زیاده‌روی در مصرف» آسیب‌های جدی به ستون اقتصادی اجتماع وارد سازند. خدا به مومنان این هشدار را می‌دهد که این کارها از جمله عوامل تقرب‌زدا است؛ زیرا مسلمانی که خواهان محبت الهی و محبوب شُستن است، با چنین رفتاری اگر چه بغض الهی را برای خود نمی‌خرد، ولی محبت الهی را نیز نصیب خود نخواهد ساخت.

تأثیر گذاری علل و اسباب با اذن خداوند
از نظر قرآن، اسباب و وسایل، امر مهمی در ساختار طبیعت دنیوی است؛ اما این‌گونه نیست که اسباب، خود بخود بدون مشیت و حکمت الهی تأثیر‌گذار باشد؛ بلکه هر تأثیری اثر برای اسباب و وسایل است ، بر اساس مشیت و حکمت و اذن الهی باید باشد.

توضیح اینکه حکمت‌الهی این است که مثلاً آتش بسوزاند و بر اساس همین حکمت و فلسفه، خدا مشیت کرده تا آتش بسوزاند و چنین اثری را برای آن قرار داده است. این‌گونه است که سنت و قانون تکوینی الهی، سوخت برای آتش یا چربی برای روغن است؛ اما این بدن معنا نیست که قانون و بسنت الهی بر خود خدا حاکم شود و دیگر به مانند یک

پس زمانی اسباب و وسایل از جمله دعا و دارو تأثیر‌گذار خواهد بود که برخلاف حکمت الهی نباشد؛ اگر حکمت الهی بر مرگ شخصی باشد، دعا و درمان تأثیر نخواهد گذاشت. به سخن دیگر، اثر برای اسباب را خدا گذاشته است و همان خدا می‌تواند اثر و تأثیر اسباب و وسایل را بردارد. بنابراین، نمی‌توان تنها به امید اسباب عمل و رفتار کرد و از خدایی که اثر را برای اسباب می‌گذارد غافل شد. این نکته در داستانی که ممکن است روایت نباشد، به خوبی بیان شده است. می‌گویند: حضرت موسی(ع) ندان

درد گرفت و به خدا شکایت کرد.
حق تعالی به او دستور داد از فلان گیاه مثلاً میکث استفاده کن! حضرت چنان کرد و دندانش خوب شد. بار دیگر ندانن موسی درد گرفت و همان دوا را به کار برد، ولی ندانن حضرت خوب نشد! او از خداوند سبب را پرسید؛ خطاب الهی آمد که دفعه قبل به امید ما رفتی اما این بار به امید گیاه رفتی و از ما غافل شدی.
بنابراین، اگر برای تحریم‌های اقتصادی دشمن به عنوان یکی از اسباب و وسایل تأثیری می‌توان قابل شد تا زمانی است که حکمت الهی مقتضای تأثیری باشد؛ اما وقتی حکمت الهی به چیزی دیگر تعلق گیرد، اسباب و وسایل کارایی و تأثیر خود را از دست می‌دهد و امدادهای الهی به حد مردم می‌رسد؛ چنان‌که در مسئله محاصره امت موسی(ع) چنین شد و فرعون این استکبار زمانه، نتوانست به اهداف خویش برسد. (شعرا، آیات ۶۱ تا ۶۳)

از نظر قرآن، تحریم‌های اقتصادی دشمنان برای امت اسلام که تحت ولایت الهی قرار دارند تأثیری نخواهد گذاشت و خدا با امدادهای غیبی خویش تأثیر تحریم را از میان برمی‌دارد و از جایی که انسان گمان نمی‌کند او را یاری می‌رساند،(توبه، آیه ۲۸، طلاق، آیات ۲ و ۳)
به هر حال، در هر جامعه‌ای افرادی در خدمت اهداف دشمن آن اجتماع هستند که می‌بایست آنان را شناخت و با آنان و روش‌هایشان مبارزه کرد. بی‌گمان تجمل‌گرایان، مسرفان، مبذران، تفاخرگرایان و مانند آنان که اقتصاد امت را نابود یا بد مدیریت می‌کنند، از جمله همین ایادی و برادران و اولیا و احزاب شیطان هستند. اینان به ظاهر جزو امت و در باطن جزو حزب شیطان و ایادی او هستند و باید با آنان مبارزه کرد.

اثر برای اسباب را خدا گذاشته است و همان خدا می‌تواند اثر و تأثیر اسباب و وسایل را بردارد. بنابراین، نمی‌توان تنها به امید اسباب، عمل و رفتار کرد و از خدایی که اثر را برای اسباب می‌گذارد غافل شد.

می‌کنند تا تحریم‌های اقتصادی دشمنان را به گونه‌ای نشان دهند که مردم دلسرد شده و امید خود را از دست دهند و گمان کنند که می‌میرند، (توبه، آیه ۲۸) در حالی که همین تحریم‌ها می‌تواند عامل رشد و پیشرفت امت باشد؛ زیرا وقتی امت تحت ولایت‌الله است، از امدادهای غیبی الهی بهره‌مند می‌شود. (همان)

چرا نباید فردی را با دیگری مقایسه کرد؟ پاسخ این است که: اولاً، تک‌تک انسان‌ها با همه شباهت‌های ظاهری در استعدادهای ذاتی با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری دارند.ثانیاً، افراد جامعه از لحاظ امکانات مادی و معنوی و شرایط محیطی و تربیتی و... تمایزات زیادی با همدیگر دارند، و در شرایط یکسانی نیستند تا با یکدیگر مقایسه شوند. وقتی این همه تفاوت‌های واقعی را در نظر بگیریم، قطعاً مقایسه و سنجش اشخاص با یکدیگر درست نمی‌باشد.

سفرارش فرمود: هر کس خشن زیبارت بود، قدرت او نیز بیشتر است. آن دو بزرگوار هر کدام خط زیبایی نوشتند.

ایما پیامبر(ص) قضاوت نکرد و آن‌ها را به نزد مادرشان فاطمه(س) هدایت فرمود تا نگرانی دآوری، در عاطفه مادری جریان شود.

زهر(اس) دید که هر دو خط زیباییست، با خود گفت: من چه می‌توانم بکنم و چگونه میان دو کودک دآوری نمایم؟-ا‌نا ماذا اصنع و کیف احکم بینهما؟- با ژرفنگری و

چشم دوختن به زندگی افرادی که از نظر مادی و مادی بالاتر از ما هستند، موجب سلب آسایش جسمانی و کاهش آرامش روانی، اعتراض و شکایت از خدا، ناپسای و ناخرسندی از نعمت‌ها، عدم احساس خوشبختی، تقویت روحیه چشم و هم‌چشمی و رقابت‌های ناسالم خواهد بود.

برخی از ما بدون توجه به معیار واقعی ارزش‌های انسانی از قبیل «تقوا و ایمان» با کمال تانسف دارایی‌های مادی خود را به رخ دیگران می‌کشیم و به این وسیله بر آنان فخر فروشی می‌کنیم. حکم «هشدار» و غافل از این که این امور از قبیل «ثروت، قدرت، شهرت، زیبایی، ریای اقوام و فرزنده» به هیچ‌وجه از نظر الهی ملاک و میزان انسانیت نمی‌باشد.

گرامی‌ترین و بالاترین در پیشگاه خداوند «باتقواترین» شما انسان‌هاست. (حجرات - ۱۳)

۲- در مسائل معنوی خود است که آدمی خود را با انسان‌های بالاتر از خود مقایسه کند تا بدین‌وسیله «انگیزه رشد و تعالی» پیدا نماید.

لقلما حکیمم گفت: «ای پسرم در امور معنوی و آخرتی به افراد بالاتر از خود نگاه کن. (همان، ص ۳۵۳ و در محضر مجتهدی، همان، ص ۳۳۱)

خلاصه و جمع‌بندی

گفته شد که افراد را نباید با یکدیگر مقایسه کنیم. زیرا ارزیابی و سنجش انسان‌ها نوعی «نمره دادن» کمی و کیفی محسوب می‌شود. از آن‌جا که نمره‌ها هیچ‌گاه دقیق محاسبه نمی‌شود، بنابراین با دآوری ما چه‌سار در حق آنان ظلم شود.
نمره ما به همسر و یا فرزندان و اشخاص دیگر به طور قطع برای آن‌ها، مشکلات جدیدی ایجاد خواهد کرد.
بارگو کردن امتیازات همسر و فرزندان دیگران، موجب ناامیدی، سرخوردگی و تحقیر و احتمالاً لجبازی و کینه‌توزی می‌شود.

بارگو کردن عیوب و نقایص همسر و فرزندان دیگر، موجب غرور کاذب، خود برتریینی و احساس تکبر و ارتکاب گناه غیبت می‌گردد.

همان طور که ملاحظه می‌شود، مقایسه نمودن افراد با یکدیگر، از هر دو جهت، کانون گرم خانواده را با تهدیدات جدی مواجه می‌سازد.
بارگو کردن عیوب و نقایص همسر و فرزندان دیگر، موجب غرور کاذب، خود برتریینی و احساس تکبر و ارتکاب گناه غیبت می‌گردد.
همان طور که ملاحظه می‌شود، مقایسه نمودن افراد با یکدیگر، از هر دو جهت، کانون گرم خانواده را با تهدیدات جدی مواجه می‌سازد.

چراغ راه

اندوه درازمدت آزادی شهوت

قال الامام الصادق(ع): «کم من شهوة ساعته اورتت خزناً طوبلاً»

امام صادق(ع) فرمود: چه بسا امور شهوانی کوتاه مدت یک ساعت، مایه اندوه درازمدتی می‌گردد.^(۱)

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۱

حکایت خوبان

چرایی نفی تعدد شوهر برای زن‌ها

امام علی(ع) در پاسخ به این پرسش زنان که با وجود اینکه شهوت زنان بیش از مردان است چرا نمی‌توانند بیش از یک شوهر داشته باشند ولی برعکس مردان می‌توانند زنان متعدد اعم از دائمی، صیغهای و کنیز داشته باشند؟ حضرت به زن‌ها دستور داد که هر کدام کاسبه‌ای آب بیاورند، و همه را در یک ظرف بریزند، وقتی ریختند، حضرت فرمود: اکنون هر کدام آب خود را بردارید. گفتند: این امری محال است که ما هر کدام بتوانیم آب خود را برداریم. زیرا که آنها با هم آمیخته شده‌اند و جدا کردن آنها از هم محال است. حضرت فرمود: همین زن‌ها نباید یک شوهر بیشتر داشته باشند، چون بچه‌ها را نمی‌توان از هم تشخیص داد که از آن کدام شوهر هستند و میراث و نسب آنها باطل می‌شود.^(۱)

۱- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۶۰

پرسش و پاسخ

مبانی فکری آزادی مطلق اخلاق جنسی

پرسش:
کسانی که خواهان آزادی مطلق و از بین بردن هر نوع قید و بندی در زمینه حجاب و روابط جنسی هستند، مبانی فکری آنها چیست؟

پاسخ:

تغییر رویکرد غرب در زمینه اخلاق جنسی
دنیای غرب در زمان حاضر، در زمینه اخلاق جنسی نسبت به گذشته، به اصطلاح یک دور ۱۸۰ درجه‌ای زده است. امروز همه سخن از تقدیس و احترام به علایق و روابط جنسی می‌گویند و لزوم آزادی مطلق و برداشتن هر قید و بندی را در این زمینه خواستارند. در گذشته آنچه گفته شده است، به نام دین بوده و امروز نقطه مقابل آنها به نام علم و فلسفه پیشنهاد می‌شود.

مبانی فکری آزادی مطلق اخلاق جنسی
طرفداران آزادی مطلق و از بین بردن هر نوع قید و بندی در اخلاق جنسی نوین، نظرات و دیدگاه‌های خود را بر پایه سه اصل مبتنی کرده‌اند:
۱- آزادی هر کسی تا آنجا که مخل آزادی دیگران نباشد، باید محفوظ بماند.

۲- تعداد بشر در گرو پرورش تمام استعدادهایی است که در وجود وی نهاده شده است. خودپرستی و بیماری‌های ناشی از آن، مربوط به اشتغکی غریز است. اشتغکی غریز از آنجا ناشی می‌شود که میان آنها تبعیض روا داشته شود. بعضی ارضا و اشباع شود و بعضی دیگر همچنان ارضا نشده باقی بمانند. بنابراین برای اینکه انسان به خوشبختی و سعادت زندگی قابل آید، باید تمام استعدادهای او را به طور مساوی و متوازن پرورش و توسعه داد.

۳- رغبت انسان به یک چیز، در اثر اقناع و اشباع کاهش می‌یابد، و در اثر امساک و منع، فرونی می‌گیرد. برای اینکه بشر را از توجه دائم به امور جنسی و عوارض ناشی از آن منصرف کنیم، یگانه راه صحیح آن است که هر گونه قید و ممنوعیتی را از جلوی پایش برداریم و به او آزادی مطلق بدهیم. شرارت‌ها، کینه‌ها و انتقام‌ها هم ناشی از اخلاق خشن جنسی است.

لزوم اطلاع‌رسانی و تبیین آینده این راه

ممکن است افرادی طرح این گونه مباحث را چندان لازم و مفید ندانند، اما به نظر می‌رسد طرح این‌گونه مباحث در اجتماع حاضر به ویژه نسل جوان بسیار حائز اهمیت بوده و ضرورت دارد نه تنها از آن جهت که افکار فلاسفه و متفکران معروف و مشهوری را به خود جلب کرده است، بلکه از آن نظر که این افکار در میان طبقه جوان در حال پیشرفت و توسعه است. چه بسا جوانانی هستند که سرمایه فکری آنها کافی و وافق نیست که به نقد و تحلیل این مباحث بپردازند، ممکن است شخصیت و شهرت صاحبان این افکار، آنها را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار دهد، و عقیده پیدا کنند که این سخنان صدردصد مطابق با منطق و عقلانی است.

بنابراین ضرورت دارد مخاطبین به ویژه نسل جوان را آگاه و روشنگری کنیم و نسبت به افکاری که در زمینه اخلاق جنسی از غرب برخاسته و جوانان ما تازه با الفبای آن آشنا شده‌اند و احیاناً تحت عنوان‌های مقدسی نظیر آزادی و مساوات با جان و دل آنها را می‌پذیرند به کجا منتهی می‌شود و غایت و پایان این مسیر و سبک زندگی کجاست؟ آیا اجتماع بشر قادر خواهد بود، در این مسیر گام بردارد و به سعادت و پیشرفت و تکامل برسد؟ در یک کلام این راهی که خلاف عقل و فطرت انسان است، ادامه دادن آن جز فناء بشریت و نابودی جامعه چیزی را دربر ندارد!

کمیون عواطف ناشی از آزادی مطلق جنسی
می‌گویند در اروپا و دریای غرب تا حدود زیادی عدالت نسبی هست، اما عواطف بسیار کم است، حتی در میان برادران، پدران و فرزندان عواطف کمی مشاهده می‌شود، برخلاف مردم مشرق زمین چرا؟
دلیل آن این است که این‌گونه عواطف در کانون‌های اصفا و صمیمی و پرهمر خانوادگی رشد می‌کند، اما در اروپا چنین صفا و صمیمیت و وحدت و یگانگی که میان زنان و شوهران در شرق وجود دارد در آنجا وجود ندارد، برای اینکه در آنجا عواطف جنسی میان زن و مرد به یکدیگر اختصاص ندارد. هر کدام به طور نامحدود می‌توانند لااقل از تمتعات نظری و لمسی در اجتماع بزرگ بهره‌مند شوند. وقت آن است که دنیای غرب مانند همه زمان‌های دیگر، با همه تقدیمی که در علوم و صنایع دارد، فلسفه و سبک زندگی را از شرق بیاموزد.

سلوک عارفانه

تنها انتقاد از فرهنگ اروپایی و تمجید از فرهنگ اسلامی کافی نیست!

(بدان ای سالک راه خدا!) اینکه ما بنشینیم با تمدن و فرهنگ اروپایی انتقاد بکنیم، از فرهنگ اسلامی هم تمجید نکنیم و بعد هم خیال بکنیم که فرهنگ اسلامی و روح اسلام همان است که ما امروز داریم، پس مردم دنیا بیایند از ما پیروی کنند، کاری از پیش نمی‌رود.^(۱)

۱- احیای تفکر اسلامی، شهید مرتضی مطهری(ره)، ص ۲۰